



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۲۲	تاریخ	۱۴۰۴/۰۳/۱۸
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	حدود حجیت خبر واحد				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

حدود حجیت خبر واحد

در آغاز مباحث حجیت خبر واحد، گفتیم که این بحث را در دو بخش اصلی پی خواهیم گرفت. بخش اول، «اثبات اصل حجیت خبر واحد» بود که به ادله آن پرداختیم. گفتیم برای اثبات آن، هم به اجماع، هم به سیره، هم به آیات کتاب، هم به روایات سنت معصومین علیهم السلام و نهایتاً به دلیل عقل تمسک شده است. ما بیان کردیم که از میان این ادله، دو دلیل با تقریباتی که انجام گرفت، برای اثبات حجیت خبر واحد رسا هستند: یکی سیره عقلا و دیگری روایات، که البته در مورد روایات نیز گفتیم به دلیل تواتر معنوی موجود در میان آنها، می توان حجیت خبر واحد را اثبات کرد. این مطالب مربوط به بخش اول، یعنی اثبات اصل حجیت خبر واحد بود.

بحث دوم ما درباره «حدود حجیت خبر واحد» است. یعنی پس از آنکه اصل حجیت خبر واحد به سیره، سنت یا سایر ادله اثبات شد، جای این بحث است که حدود و دایره این حجیت چیست؟ در این حوزه، بحث های مهمی وجود دارد.

اشکال در حجیت اخبار مع الواسطه

از جمله مباحث مهم در مبحث دایره حجیت خبر، این است که آیا دلیل حجیتی که بحث کردیم، شامل «اخبار مع الواسطه» می شود یا خیر. این بحث، هم جنبه ثبوتی دارد و هم جنبه اثباتی. در بحث ثبوتی باید به شبهه عدم امکان شمول دلیل حجیت نسبت به خبر مع الواسطه پاسخ داد. وجه عدم امکان، به دو بیان اجمالی قابل طرح است:

یکی اینکه اگر بخواهد دلیل حجیت، شامل خبر مع الواسطه شود، لازمه اش این است که دلیل حجیت، هم «موضوع» و هم «حکم» را در آن واحد اثبات کند و با توجه به تقدم رتبی موضوع بر حکم، این امر محال است؛ چون اگر بخواهد دلیل حجیت شامل خبر کلینی شود - که از علی بن ابراهیم روایت می کند - باید اولاً خود موضوع، یعنی وجود و تحقق خبری از علی بن ابراهیم را اثبات کند؛ زیرا ما که مستقیماً از علی بن ابراهیم چیزی نشنیده ایم و نقل ما از طریق کلینی است. پس دلیل حجیت باید ابتدا وجود خبر راوی قبل را اثبات کند و سپس حکم آن، یعنی حجیت همان خبر را نیز اثبات نماید.

شبهه دیگر یا تقریب دیگر این است که این امر مستلزم تقدم حکم بر موضوع است؛ زیرا اگر بخواهیم با دلیل حجیت، حجیت خبر کلینی را اثبات کنیم و با حجیت خبر کلینی، حجیت خبری را که او روایت می کند اثبات نماییم، معنایش این است که ابتدا حکم ثابت شده و سپس موضوع اثبات می شود.

اینها شبهات ثبوتی است که باید درباره آنها بحث و پاسخ داده شود که البته بحث شده و دفع نیز شده است. پس از آن، به مسئله اثباتی می رسیم؛ یعنی آیا ادله ای که ما برای اثبات حجیت خبر به آنها تمسک کردیم (سیره و روایات)، اثباتاً می توانند حجیت خبر مع الواسطه را نیز ثابت کنند یا خیر؟

حجیت اخبار از موضوعات

بحث دیگری که در این حوزه مطرح است، این است که آیا حجیت خبر، شامل «اخبار از موضوعات» می شود یا نه؟ این بحث خود فروعی دارد؛ مثلاً آیا می توان وثاقت یک راوی را با خبر واحد اثبات کرد یا خیر؟

حجیت اخبار حدسیه (فتاوی مجتهدین)

بحث مهم دیگر تحت عنوان حدود حجیت، این است که آیا حجیتی که ما برای خبر اثبات کردیم، شامل «اخبار عن حدس» نیز می شود یا خیر؟ برای مثال، فتوایی که مجتهد صادر می کند، اخبار از حکم امام است؛ اما اخباری حدسی است، نه حسی و مبتنی بر سماع. مجتهد نمی گوید من شنیدم که امام چنین فرمود؛ بلکه با استنباط و استدلال، از حکم امام خبر می دهد. اینکه آیا دلیل حجیت خبر شامل اخبار حدسیه مجتهد می شود یا نه، خود محل بحث است.

البته اگر گفته شود مجتهد از مجموعه قرائن به علم و قطع می رسد، آن اخبار علمی است و در حکم اخبار حسی است و از بحث خارج است؛ زیرا قطع، حجیت ذاتی دارد. اما بحث دیگری که در این صورت به وجود می آید این است که قطع مجتهد، تا چه اندازه می تواند برای مقلد حجت باشد؟

اعلان تعویق بحث و برنامه سال تحصیلی آینده

خلاصه آنکه بحث های متعددی در باب دایره حجیت خبر واحد وجود دارد. اگر بخواهیم این مباحث را با استیعاب و به طور کامل بحث کنیم، شاید دو ماه به طول بینجامد. لذا امسال فرصت ورود به آن را نداریم. حتی بحث اثبات حجیت اخبار مع الواسطه به تنهایی، بحث مفصلی است که دست کم ده روز زمان نیاز دارد. لذا ترجیح می دهیم این بحث را به سال تحصیلی آینده موکول کنیم، ان شاء الله. علائم هم نشان می دهد که آقایان با تعطیلی امروز موافق هستند. امروز اعلام تعطیلی می کنیم و ان شاء الله اگر عمری بود و خداوند توفیقی عنایت فرمود، سال آتی همین مبحث «حدود حجیت خبر واحد» را به عنوان بحث آغازین شروع خواهیم کرد و پس از آن، به مباحث «اصول عملیه» خواهیم پرداخت.

ساختار و تقسیم بندی صحیح مباحث علم اصول

در ابتدای بحث اصول عملیه، بحث مختصری درباره تاریخ این مباحث و چگونگی شکل گیری آن در علم اصول خواهیم داشت. این بحث مهم و از امتیازات اصول فقه شیعه است. ما معتقدیم که بحث اصول عملیه، بحثی الحاقی و خارج از علم اصول نیست که اصولیون صرفاً بر اثر نیاز، آن را به مباحث اصولی اضافه کرده باشند؛ بلکه از مباحث اصلی علم اصول است.

تعریف صحیح از علم اصول و تقسیم بندی رایج آن، این جایگاه را به خوبی تبیین می کند. ما معتقدیم تقسیم بندی علم اصول، یک تقسیم بندی فنی و برهانی است؛ ما نباید مباحث علم اصول را با نگاه و ذوق مجتهد تقسیم بندی کنیم؛ بلکه باید تفاوت ماهوی خود مباحث را ملاک قرار دهیم که دیگر دایر مدار نظر و ذوق مجتهد و اصولی نیست. مباحث علم اصول فی نفسها دارای تفاوت های ماهوی هستند که ملاک تقسیم بندی قرار می گیرند:

۱. مباحث دلالت دلیل: این بخش، شامل قواعد دلالت دلیل (اعم از لفظی یا عقلی) بر حکم شرعی است.
۲. مباحث دلالت دلیل (حجج و امارات): این بخش، شامل قواعد اثبات دلالت و حجیت دلیل است. این مباحث خود دو گونه اند:

الف. قواعد اثبات دلیل اولی: ما در ابتدا دنبال دلیلی می گردیم که ما را به «حکم واقعی» خداوند آشنا کند. قواعد اثبات دلالت چنین دلیلی در این بخش بررسی می شود.

ب. قواعد اثبات دلیل ثانوی: حال اگر دلیلی بر حکم واقعی نیافتیم (عدم الوجدان)، تکلیف چیست؟ در اینجا شارع برای ما ادله ای جهت بیان حکم در فرض نبود دلیل اولی قرار داده است. این همان «دلیل حیث لا دلیل» است که جایگاه «اصول عملیه» می باشد. اصول عملیه، قواعد اثبات دلیل بر حکم شرعی، در جایی است که ما دسترسی به دلیل بر حکم واقعی نداریم.

۳. مبحث تعارض ادله: در نهایت، این بحث لازم است که اگر دو دلیل با هم تعارض کردند، تکلیف چیست؟

نقد اصطلاح «حکم ظاهری» و پیشنهاد «حکم ثانوی»

بر اساس این تقسیم بندی، اصول عملیه نیز دلیل بر حکم شرعی هستند. از این رو، تعبیر رایج «حکم واقعی» و «حکم ظاهری» که از زمان مرحوم وحید بهبهانی رواج یافته، ممکن است این شبهه را ایجاد کند که احکام ثابت شده با اصول عملیه، گویا حکم واقعی خدا نیستند؛ در حالی که اینها نیز حکم خدا هستند. به نظر ما، تعبیر «حکم اولی» و «حکم ثانوی» دقیق تر است. اصول عملیه، حکم واقعی ثانوی خداوند هستند. این حکم، حکم خدا در ظرف عدم دسترسی مجتهد به دلیل بر حکم اولی است؛ لذا این حکم نیز -چه تعذیری و چه تنجیزی- حکم الهی است.

توصیه های پایانی و لزوم پاسخگویی به نیازهای معاصر

شما را به خدای متعال می سپاریم و امیدواریم تابستان خوبی داشته باشید. ان شاء الله همه ما موفق باشیم در این تابستان، به آنچه مورد رضای خدا و حضرت ولی عصر علیه السلام است، عمل کنیم. ما طلبه ها تعطیلی نداریم؛ تعطیلی برای ما معنا ندارد.

اگر یک نوع از کار (درس و بحث رسمی) موقتاً تعطیل می شود، باید با کار دیگری جایگزین شود؛ مانند مطالعات، بررسی مباحث گذشته، تنقیح و تنظیم آنها و مراجعه به منابعی که در ایام تحصیل به دلیل تنگی وقت، توفیق مراجعه به آنها نیست. همچنین باید به مباحثی که مورد نیاز جامعه است، پرداخت. ما روحانیون و فضایی حوزه، بی نیاز از اطلاعات و علمی که ما را پاسخگوی نیازهای معاصر کند، نیستیم. ما امروز در جامعه ای زندگی می کنیم که خداوند نعمت بزرگ اجرای حکم الهی را به ما داده است. ما باید بتوانیم حکم خدا را در همه عرصه ها استنباط و اجرا کنیم.

اقتصاد ما باید اسلامی شود. اقتصاد امروز ما، نظام بانکداری ما، نظام توزیع و تولید ما، بر اساس نظام سرمایه داری است. ما برای این نیازها پاسخ شرعی داریم، پاسخی بدون تکلف؛ نه اینکه شریعت را بیچانیم تا نظام سرمایه داری را توجیه کنیم. ما از خیلی وقت پیش، از زمان ریاست جمهوری آقای روحانی، نامه ای به ایشان نوشتیم و پیشنهاد کردیم که دست کم یک بانک نمونه بر اساس نظام بانکی صد درصد اسلامی درست کنید. ما فقه نظام بانکی را نوشتیم تا حجت تمام شود. البته باید توجه داشت که حتی طرح بانکی مرحوم استاد ما، شهید صدر رحمته الله، همان طور که خودشان در مقدمه تصریح کرده اند، برای جوامعی طراحی شده که نظام اسلامی در آنها حاکم نیست؛ بلکه برای جوامعی است که نظام سرمایه داری در آنها حاکم است. ایشان فرمودند اگر نظام اسلامی برپا شود، احتیاج به طرح دیگری داریم. در حالی که تا به امروز، طرح شهید صدر رحمته الله را مبنا قرار داده اند و از آن استفاده کرده اند. اما طرحی که ما نوشته ایم، بانکی صد درصد اسلامی و قابل اجرا در نظام اسلامی است.

خلاصه، در آن زمان، ایشان آقای سیف، رئیس وقت بانک مرکزی، را نزد ما فرستادند و یک ساعت صحبت کردیم؛ اما هیچ اثر عملی بر آن مترتب نشد. خدا رحمت کند آقای رئیسی را؛ ایشان در اواخر با من تماس گرفتند و مصمم بودند کار گروهی برای این موضوع تشکیل دهند که متأسفانه اجل مهلتشان نداد و آن سفر برایشان پیش آمد. عزم ایشان جزم بود برای انجام این کار؛ اما نشد؛ گویا حکمتی الهی است که خداوند ما را آزمایش کند.

در پناه خدا باشید.

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَكَذَا لِيَا وَعَيْنًا حَتَّى تُشَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه و ارزقنا صحبتته و وفقنا لطاعته و ارزنا وجهه.

و صلَّى الله على محمد و آله الطاهرين